



واکنش وزیر اطلاعات به اظهارات سخنگوی قوه قضائیه
درباره وجود مدیران دو تابعیتی:

ندانستن که جرم نیست!



در نامه سرگشاده بذریاش به روحانی
تشریح شد

راهکارهای حل بحران ریزگردها



نماینده مردم ایذه: مردم در خوزستان
جلوی بیمارستان‌ها صف کشیده‌اند

«مرگ خاموش» خوزستانی‌ها!

چه جای تعجب است!؟

علی‌اکبر عباسی

۱- اینکه جماعتی که زمانی بر کوس آزادی بیان می‌کوبیدند حالا در آستانه ۱۰۰ روز مانده تا انتخابات، طرحی را تهیه کرده‌اند که به موجب آن «سوال کردن که موجب جلب توجه شود»، ۶ ماه تا ۲ سال حبس دارد، هر چند با شعارهای برطمطراق آنها در ستایش آزادی در تضاد است اما آنگاه که کارنامه واقعی و عملی این جماعت در زمینه آزادی را مورد کنکاش قرار دهیم؛ از تهیه چنین طرحی آنچنان هم تعجب نخواهیم کرد.

۲- این طرح همان جریان است که زمانی نه‌چندان دور و در دوره حاکمیت‌شان بر دولت، وزیر علوم نامهای به رئیس‌جمهور نوشته و از او خواسته بود با دانشجویان منتقدی که در اعتراض به ناکارآمدی‌های وزیر، مقابل وزارتخانه تجمع کرده بودند، برخورد امنیتی- اطلاعاتی شود؛ «بر این اساس تقاضا دارد دستور فرمایند مساله به لحاظ امنیتی، اطلاعاتی، سیاسی، حقوقی و قضایی مورد بررسی کامل قرار گیرد و از بروز حوادث خسارت‌بار دیگر در وضعیت حساس دانشگاه‌های کشور پیشگیری به عمل آید».

این طرح همان جریانی است که زمانی که شهردار وقت تهران از قبیله سیاسی آنها انتخاب نشد، برخلاف سنت مألوف مسبوق، هیچ جایی برای حضور او در جلسات دولت اصلاحات نبود. همان جریانی که آنگاه که رئیس وقت سازمان صداوسیما گوشه‌ای از کنفرانس خفت‌بار برلین را از تلویزیون پخش کرد مانع حضورش در جلسه هیات دولت شدند.

این طرح همان جریانی است که بعد از لیانخف و مصدق، افتخار انحلال یک نهاد برآمده از رأی مردم را به نام خود ثبت و با انحلال شورای شهر اول، کلکسیون افتخارات خود را کامل کرد. همان جماعتی که در دورانی که آزادی، سکه رایج بود، بزرگ‌شان در دانشگاه تهران دانشجویان را با الفاظ «آدم باشنید» و «می‌گم بیرون تون کنند» خطاب کرده بود.

همان جریانی که در زمان حاکمیتش بر دانشگاه، دانشجویان منتقد را با اهرم کمیته انضباطی تحت فشار قرار می‌داد و اسامی دانشجویان منتقد را برای حضور در کمیته انضباطی در بلندگوی خوابگاه‌ها اعلام می‌کرد. این طرح همان جریانی است که در همین ۳ سال و نیم گذشته بیش از ۶۰ مورد سخنرانی اساتید و کارشناسان را در دانشگاه‌ها لغو کرد.

سؤالات رئیس‌جمهور از مردم خوزستان!

حسین قدیانی

پادداشت‌امروز نه فقط در ایران که در هر کشوری، «صندوق رای» و «تابوت شهید» بیشترین حرمت را دارند و مظاهر برجسته ملیت و هویت یک ملت شناخته می‌شوند. در سالیان اخیر اما بیشترین شهید را جماعتی تقدیم امنیت این مرز و بوم کردند که بحق «مدافع حرم» خوانده می‌شوند. سیری ولو گذرا در زندگینامه شهدای مدافع حرم، مؤید خط مشی بصیرت‌افزای ایشان در ماجرای فتنه علیه صندوق آرای ۴۰ میلیون ۸۸ است. روزی در داخل مرزها، دفاع از اصل و اساس انتخابات، صندوق آرا و ۴۰ میلیون رای، روزی هم در خارج مرزها، برای آنکه اصلا و اساساً قدم نحس دشمن، خاک مقدس وطن را آلوده نکند، روزی پاسداری از رای مردم، روزی هم پاسداری از جان مردم، روزی دور نگه‌داشتن فتنه‌گران داخلی از نقشه شوم ابطال انتخابات، روزی هم دور نگه داشتن فتنه‌گران خارجی از نقشه شوم ابطال امنیت کشور، روزی چون یوم‌الله ۹ دی، حماسه‌آفرینی در خیابان انقلاب، روزی هم چون روز جنگ و جهاد، حماسه‌آفرینی در عراق و سوریه، روزی سینه سپر کردن برابر تیر و ترکش تقلب، روزی هم تا پای جان ایستادن برابر دشنه داعش، این، یک کارنامه است، یک کارنامه هم متعلق است به اعوان و انصار همان که از تمنای بی‌وجه خود برای برگشتن به قدرت، با عنوان «آشتی ملی» یاد می‌کنند در این کارنامه دوم، روزی بی‌احترامی به ۴۰ میلیون رای ملت دیده می‌شود، روزی هم بی‌احترامی به شهدای ملت، تا آنجا که به ست کردن لوگوی روزنامه خود با رنگ پرچم تروزیست‌های تکفیری هم راضی نمی‌شوند و رسماً تیتر می‌زنند: «سرتیپ حسین همدانی در سوریه کشته شد!» پس فرقی نمی‌کند «انتخابات» باشد یا «امتحانات» و تفاوتی نمی‌کند «صندوق رای» باشد یا «تابوت شهید»؛ در هر دو حال، کار این جماعت، فتنه است و دروغ و دغل و نیرنگ و دوز و کلک. کافی است جایی سیل بیاید یا زلزله‌ای یا هر بلائی، عوض آنکه گریبان مسئول و متصدی را بگیرند، در نهایت وقاحت، سردار سلیمانی و شیربچه‌های مظلوم این ملت را می‌زنند! که چی؟ که چرا برای سوریه دارد هزینه می‌شود؟! اما آیا جناب تاج‌زاده واقعا نمی‌داند ما در سوریه، فی‌الواقع داریم برای امن و امان خودمان می‌جنگیم؟! و اینکه دوفردای دیگر، مجبور نباشیم به جای بیرون مرز، در داخل مرز با دشمن بجنگیم؟! بعید می‌دانم ندانند! او و امثال او، نه فقط این مسائل را می‌دانند که

بگیر و ببند با قید دوفوریت!

امیر استکی

ساختارهایی که در آنها هر حرفی باید سر جای خودش زده شود و مثلاً یک فرد نمی‌تواند مستقیماً با یک سیاستمدار یا مسؤول رده بالا به گفت‌وگو بنشیند، او را مخاطب قرار دهد و سوالی از او بپرسد، این یعنی نگاه به سیاست به عنوان یک شغل در درجات بالای سلسله مراتب اجتماعی. جایی به دور از قیل و قال‌ها و سطحی‌نگری‌های عوام‌الاناس و انسان‌های ناراضی و گلابه‌مندا محلی امن برای سیاست‌ورزی و رتق و فتق امور، ملت هم باید از کانال‌هایی که این نوحافظه‌کاران تعیین می‌کنند هم بشنوند و هم بگویند و اگر در یک جلسه سخنرانی رسمی یا غیررسمی به پست یکی از این سیاستمداران خوردند باید بسیار حواس‌شان جمع باشد که اگر بدون اجازه لب از لب بگشایند باید منتظر دستگیر شدن توسط نیروی انتظامی و محاکمه بدون طی تشریفات قضایی در حداکثر یک ماه باشند و پیه حبس از ۶ ماه تا ۲ سال را به تن خود بمانند، جالب است که دنبال‌کنندگان اصلی این طرح دوفوریتی کسانی هستند که از فحول عقول این فراکسیون هستند؛ امثال علی مطهری، محمود صادقی و عارف. طرحی که شایبیت آن اینچنین است: هر کسی با هر اقدامی اعم از طرح سवाल یا غیر آن در مراسم سخنرانی، اعم از مراسم رسمی یا مراسمی که عرفاً بدون مجوز تشکیل می‌شود، موجب توقیف یا جلب توجه به خود یا تشنج شود به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می‌شود. نیروی انتظامی موظف است فوری فرد یا افراد را بازداشت و تا تحویل به مقام‌های قضایی نگهداری کند، همچنین

در قطعنامه پایانی کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین تأکید شد

تعطیلی سفارتخانه کشورهای اسلامی در واشنگتن در صورت انتقال سفارت آمریکا به قدس

حقوقه خود، بر استمرار تلاش‌ها برای پایان دادن به ۷ دهه اشغالگری رژیم صهیونیستی، حفظ وحدت سرزمینی (فلسطین تاریخی، از بحر تا نهر) و تشکیل دولت فلسطین با پایتختی قدس تأکید کردند. آنان استمرار اقدامات رژیم صهیونیستی در راستای یهودی‌سازی قدس و تغییر نمادها و هویت این شهر را محکوم و بر پشتیبانی از قطعنامه یونسکو مبنی بر نفی هرگونه حق تاریخی برای یهودیان در قدس تأکید کردند. شرکت‌کنندگان با محکومیت شدید حمایت‌های دولت آمریکا از رژیم صهیونیستی، از جمله اظهارات اخیر مقامات این کشور درباره انتقال سفارتخانه خود به قدس، از همه کشورهای عربی و

یکی از فعالان فضای مجازی بحق خوب نوشته بود که در این جماعت، غالب عقل‌ها گرد و ناتوان است و باید عاقلی باشد که برای این فراکسیون امید ۳۰ نفر «تکرار»ی بدیهیات را توضیح دهد اما او نیز به اشتباه از کسی می‌خواست بدیهیات را توضیح دهد که خود بدیهی‌ترین امور را درست انجام نداده بود! یاد دادن بدیهیاتی که با انتقال تجربیات در زمینه برخورد با سवाल و اعتراض در جلسات باید همراه باشد. مثلاً خاتمی به عنوان مستقیم‌ترین و بلندترین عقل در میان این جماعت باید به آنها بگوید که لاقول صبر کنید تا کسی صدایی و سوالی بکند بعد اگر لازم شد تهدیدش کرده و ساکنش می‌کنید و در نهایت با بیان اینکه «کاری نکنید بگویم بیرون تان کنند» آنها را سر جای‌شان بنشانید و اصلاً لازم نیست قانون برای آن تصویب کنید. همان تشر و ترساندن فی‌المجلس کافی خواهد بود اما فراکسیون امید که به‌زعم این دوست عزیز عقل‌ها در آن گرد و ناتوان است، طرح دوفوریتی را ارائه کرده است که در آن به دنبال چیزی هستند که رسماً مبارزه تمام قد با بدیهیات آزادی بیان است. آزادی، مناعی که بسیار از آن دم زده‌اند، حالا داشتن آرامش در جلسات و همایش‌ها و سخنرانی‌های‌شان آن را به محاق می‌برد تا خدای نکرده کسی پیدا نشود و حرف اضافه‌ها نزنند و خاطر عزیزشان را مکدر نکنند. این نوع انتظار از جلسات سیاسی بیشتر به بنیان‌های فکری و رفتاری آنها بازمی‌گردد، نوعی محافظه‌کاری و اعتقاد به اهمیت وجود ساختارهای سلسله مراتبی.

نگاه‌امروز

در بیانیه پایانی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین تأکید شد در صورت انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس، سفارتخانه کشورهای اسلامی در آمریکا تعطیل شود. بیانیه پایانی ششمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین در مراسم اختتامیه قرائت شد. در بخشی از این بیانیه شرکت‌کنندگان ضمن تجلیل از انتفاضه و مقاومت ملت مظلوم فلسطین، بویژه قیام کنونی به عنوان تنها راه نمربخش مقابله با اشغالگری رژیم صهیونیستی و استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای حمایت و تقویت مبارزات مشروع و رهایی‌بخش این ملت در بازپس‌گیری حقوق